

باشد. من در جلسه‌ای گله کردم و گفتم چرا این طور است و کارها پیش نمی‌رود. ایشان شعر «تیرانداز و گنج» مولوی را که دو بیت از آن به این شرح است را در پاسخ به شکوه من خواندند: آنچه حقست اقرار از حبل الوریق / تو فکنده تیر فکرت را بعید / ای کمان و تیرها بر ساخته / صید نزدیک و تو دور انداخته» شعر را خواندند و گفتند داستان مشهوری است که یک نفر را گفتند اینجا گنج است پس تیر را در کمان بگذار و ببیند از هر جا که تیر افتاد، گنج آنجاست. این بنده خدا تیر را در دورترین جایی که می‌شد، انداخت و آنجا را کند اما گنجی نبود. همه جا را کند و بعد ندا آمد که ما گفتم تیر را در کمان بگذار نه این که تا آخر بکش! تیر را رها کن، تیر زیر پایت می‌افتد و گنج همان جا در زیر پای شماست. آنجا به من گفتند یکی از اشتباهات شما این است که خیلی محاسبه می‌کنید و فکر می‌کنید که امور دست من و شماست اما همه این امور دست خداوند است و ما بازگرانی با نقشی اندک هستیم، طراحی اصلی دست خداست. اشتباه شما این است که حساب و کتاب می‌کنید این تیر کجا می‌افتد و باید کجا را بکنم در حالی که کار را باید به خدا سپرد. این سپردن امور به خداوند در زندگی شهید فخری زاده کاملاً مشهود بود و با حساب و کتاب سخت می‌شد وضعیتی را که ایشان داشتند، تحمل کرد. یک زمانی در جلسه به صندلی رئیس که روی آن نشسته بودند، اشاره کرده و گفتند: من هیچ علاقه‌ای به این صندلی ندارم و حساب و کتابی روی آن نکرده‌ام. امروز اینجا هستم و ممکن است فردا نباشم. من به شوخی گفتم اگر حساب نکردید شما جای من بنشینید و من جای شما بنشینم. واقعا بلند شدند و گفتند قبول است و من اصلاً نمی‌خواهم اینجا بنشینم. بعد من گفتم به خاطر خودتان که نه اما این صندلی را به خاطر ما محکم بگیرید اما واقعا منش شان همین طور بود و اعتقاد داشتند امروز که اینجا هستیم، معلوم است اینجا جای من است و فردا معلوم نیست.

### ❧ دقت و وقت شناسی

دقت و وقت شناسی ایشان یکی دیگر از این ویژگی‌هاست و ایشان می‌گفتند فلان ساعت حضور دارند، بنابراین بر اساس زمان بندی‌ای که داشتیم به موقع حضور پیدا می‌کردند اما مهمانان غالباً طبق روال موجود در جامعه و بیرون از سازمان با تاخیر می‌آمدند و اگر این قرار توسط من تنظیم شده بود واقعا خجالت می‌کشیدم و فضا برایم سنگین می‌شد که شهید فخری زاده سر وقت حاضر بودند اما مهمان‌ها هنوز نیامده‌اند.

از جهت راستگویی و درستگویی هم رفتارشان مثال زدنی بود و تقریباً هیچ جایی را قبول نمی‌دادند مگر این که در برنامه ایشان باشد. وقتی امکان حضور و هماهنگی نداشتند، صراحتاً می‌گفتند نیستیم. برخی این منش را دارند که ابتدا قبول می‌کنند اما بعداً برای حضور مشکل دارند اما شهید فخری زاده وقتی می‌گفتند هستیم، حتماً بودند و برنامه خود را بر این اساس تنظیم می‌کردند، مگر این که کار مهمی پیش بیاید. حتی از یک ماه پیش می‌گفتند فلان روز تهران نیستیم یا فلان روز جلسه داریم.

### ❧ انس با ادبیات

انس ایشان با ادبیات هم واقعا نمونه بود. چندین جا در دیدارهای نوروزی از اشعار امام (ره)، حافظ، سعدی، مولانا و... می‌خواندند. چند

یکی از خصوصیات بارز شهید فخری زاده میانه روی بود و ایشان در حوزه‌های کاری و عرصه‌های علم و فناوری به آن ملتزم بودند. شهید فخری زاده مرعوب علم غرب نبود و در آن غرق نمی‌شد اما ابایی هم نداشت که از منابع علمی غربی استفاده کند. شیوه معمولش این بود که استفاده کنیم اما مرعوب نباشیم. نوآور بودن یکی دیگر از ویژگی‌های این شهید بود و کلیدواژه نوآوری در منش شخصی و سازمان تحت مدیریتش متبلور بود. نوآور بودن در ارائه مباحث مرتبط با فناوری، موضوعات فکری و مباحث فلسفی از خصوصیات شهید فخری زاده بود. از دیگر ویژگی‌های این شهید بزرگوار تواضع ایشان بود. همه افرادی که در فرآیند کاری یا محافل علمی و... با ایشان در ارتباط بودند به این مشخصه شهید فخری زاده اذعان می‌کردند و دکتر گلشنی از اساتید برجسته حوزه فیزیک در مصاحبه‌های خود چند بار به این مسأله اشاره و بیان کرده‌اند که دکتر فخری زاده، فردی متواضع و دغدغه مند بود. سطح حفاظتی که از ایشان صورت می‌گرفت برای کسانی که در جلسات شرکت می‌کردند، بیان کننده جایگاه و منصب مهم ایشان بود اما شهید فخری زاده به شکل فرد عادی وارد بحث‌های اندیشه ورزانه و مباحث کاری می‌شدند و این مولفه یکی دیگر از ویژگی‌های بارز ایشان بود. از دیگر خصوصیات منحصر به فرد این دانشمند شهید می‌توان به خویشتنداری و ظرفیت بالای ایشان اشاره کرد تا حدی که به ندرت پیش می‌آمد که شهید فخری زاده در مباحث کاری عصبانی شود یا از کوره در برود. در محافل مختلف پیش آمده بود که افرادی ناآشنا با ایشان در مجموعه حرف‌های ناراحت کننده‌ای را بیان می‌کردند ولی ایشان حوادث و پیشامدها را متواضعانه و خویشتندارانه مدیریت می‌کرد.

### ❧ استراتژی شهید محسن

تهجد و نیایش صبحگاهی از دیگر خصلت‌های شهید فخری زاده بود. از افراد موثق شنیده بودیم که او روزانه از اذان صبح به مدت یک ساعت یا بیشتر به شکل متعارف نماز و دعا می‌خواند و با خواندن اشعار عرفانی مولوی و حافظ مشغول راز و نیاز بود. فقط بحث نماز و دعای صبحگاهی یا نمازهای متعارف نبود و ایشان در تنظیم زندگی و کار خود ارتباط وثیقی با خدا داشتند و توکل به خدا و سپردن امور به پروردگار یکی از استراتژی‌های ایشان بود، نه این که به صورت تشریفاتی و سطحی



**سپردن امور به خداوند  
در زندگی شهید  
فخری زاده کاملاً مشهود  
بود همیشه می‌گفت  
اشتباه شما این است که  
حساب و کتاب می‌کنید  
در حالی که باید کار را به  
خدا سپرد**